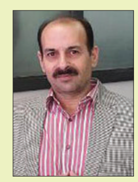
# نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۵۹
سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)


## حقوق بشر، غایب جنگ غزه





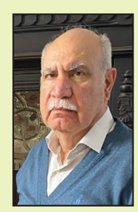
### مردانی آویخته، در مقابل زنانی فرهیخته

دکتر عباس حاتمی



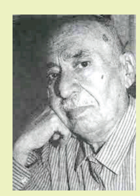
زندگی آگاهانه
### کاهش نگرانی

حسین زیرراهی



### خاطرات دیدن فیلم در سینماهای قدیم شهر بوشهر

غلامرضا شریفی‌خواه



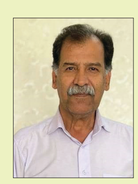
### مرگ فرماندار

به قلم شادروان
عبدالرحیم جعفری



### خلیج‌فارس و انتقال و گسترش زبان فارسی

دکتر حمید اسدپور



### اشغال بوشهر در سال نهضتی

ابراهیم بشکانی



سوگواره کشته شدن داریوش مهرجویی

## چگونه این پایان را باور کنیم؟



## بنادر بوشهر گنجینه طلایی ایران، محتاج وعده آزاد شدن ته‌لنجی!

دکتر عبدالرحیم مهرور



## تقلیل ۹۷ قلم کالا به ۵۹ قلم در مصوبه جدید ته لنجی

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل تعاونی لنج‌داران بندرگناوه گفت: ۲ مصوبه جدید به شرایط جدید فعالیت سفر شناورهای سفاری به کشورهای همسایه خلیج فارس ابلاغ و اضافه شده است.

سید علی موسوی‌گمارانی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد: تقلیل ۹۷ قلم کالا به ۵۹ قلم و برداشته شدن تعداد وانت حمل کالا جزو این۲ مصوبه است.

وی افزود: در سفرهای جدید، معیار کالای ملوانی تناژ در نظر گرفته شده و هر شناور معادل ۶۰ تن می‌تواند حمل کند و بیشتر از آن مجاز نیست.

در نامه بازنگری ساماندهی مبادلات مرزی تاکید شده که حمل هرگونه کالا خارج از ۵۹ قلم ابلاغی، ممنوع و ضبط خواهد شد.

مجوز سفر اول لنج‌داران صادر شده و لنج‌داران می‌توانند جهت اخذ مجوز به گمرک و تعاونی لنج‌داران مراجعه کنند.

### مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر:

## امید است با ساز و کارهای پیش بینی شده شاهد بهبود خدمات جامعه هدف سازمان تامین اجتماعی باشیم



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: تامین اجتماعی شعبه برازجان از ظرفیت لازم برای ارتقاء به تیپ یک برخوردار است که به تناسب این ظرفیت برای ارتقاء تیپ شعبه برازجان پیگیری های لازم انجام خواهد شد و میزان پرداخت تعهدات در شعبه دشتستان در ۶ماهه اول سال ۱۴۰۲نسبت به سال قبل ۷۱درصد افزایش داشته است.

به گزارش روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر، محمدجواد بازدرهوا در دیدار با احمد بنافی فرماندار دشتستان اظهار کرد: در راستای خدمات رسانی شایسته به جامعه هدف شعب تامین اجتماعی برازجان، آموزش کارکنان جدیدالورود توسط کارکنان با تجربه و قدیمی وهمچنین جانشین پروری برای مسؤلان در شرف بازنشستگی در اولویت‌های کاری این شعبه قرار دارد.

وی بیان کرد: امید است با ساز و کارهای پیش بینی شده شاهد بهبود کمی و کیفی خدمات موردنیاز جامعه هدف سازمان تامین اجتماعی در شهرستان دشتستان باشیم.

بازدرهوا ادامه داد: شهرستان دشتستانی به عنوان یکی از شهرستان های بزرگ استان از حیث جمعیت و مساحت در استان بوشهر است که به فراخور این جایگاه نگاه ویژه ای به شعب تامین اجتماعی برازجان معطوف شده است.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: با توجه به ظرفیت های موجود در شهرستان دشتستان تلاش می شود تا زمینه ارتقا شعبه برازجان به تیپ یک فراهم شود.

فرماندار دشتستان نیز گفت: براساس ارزیابی صورت گرفته مراجعان این شعبه کمترین میزان نارضایتی از عملکرد این مرکز دارند که این مهم نشان از همت و تلاش مجموعه تامین اجتماعی در شهرستان دشتستان است.

احمد بنافی افزود: امید است سازمان تامین اجتماعی بتواند با توسعه خدمات خود در شهرستان دشتستان زمینه رضایت مندی بیش پیش بیمه شده های شهرستان را فراهم کند.

## حقوق بشر، غایب جنگ غزه



مصطفی داننده: سیاستمداران دروغ زیاد می‌گویند. گویا اصلا زندگی آن‌ها را بر پایه‌های دروغ استوار کرده‌اند. یکی از شاخ‌دارترین دروغ‌هایی که آن‌ها در این سال‌ها به خورد مردم جهان داده‌اند؛ حقوق بشر است.

می‌دانید حقوق بشر مثل لیمو شیرین قاچ شده است؛ تلخ تلخ تلخ. در ظاهر شیرین است اما وقتی آن رَا می‌چشی، تلخیش تا مغز و استخوانت می‌رود.

اگر حقوق بشر راست بود، الان فریاد جهان گوش اسرائیل را برای حمله به بیمارستان معمدانی در غزه کر می‌کرد اما این‌گونه نیست چون یک دروغ بزرگ است.

آن‌هایی که در بیمارستان جان خود را از دست دادند (چه تضاد عجیبی است. مردم به بیمارستان می‌روند تا جان دوباره بگیرند باری زندگی اما اینبار موشک‌ها در بیمارستان جان آن‌ها را گرفت.) چشم آبی یا موی بور نداشتند.

حقوق بشر وقتی حقوق بشر است که برایش فرقی نکند کودکی در اوکراین می‌میرد یا غزه. برایش فرقی نکند که جنگ در قلب اروپا است یا وسط خاورمیانه. اما این برای دنیای موازی است و در دنیای حقیقی آن‌هایی که ادعای حقوق بشر دارند، دلسوزی‌شان فقط برای آن‌هایی است که دوست‌شان دارند.

گاهی همین حقوق بشر دلش برای سگی چنان می‌تپد که بیا و ببین و گاهی هم چشمانش را به روی کشتار کودکان می‌بندد.

این دروغ وقتی رو می‌شود که در شورای امنیت سازمان ملل وقتی آتش‌بس به رای گذاشته می‌شود، نمایندگان برخی از کشورها دستان خود را بالا می‌برند و با صلح و پایان کشتار مخالفت می‌کنند.

دنیای عجیبی است. حتی جنگ‌زده‌ها هم در جهان باهم فرق می‌کنند. کافی است روزهایی که روسیه به اوکراین لشکرکشی کرد و جنگی بی‌پایان را رقم زد را با این روزها که اسرائیل به غزه حمله کرده است یا روزهایی که عربستان، یمن را با خاک یکسان کرد، مقایسه کنید تا متوجه عمق این تبعیض شوید.

حرف حقوق بشر اگر در دنیا خریدار داشت که امروز به جای موشک و گلوله بین مردم جهان لبخند رد و بدل می‌شد. حقوق بشر اگر در دنیا خریدار داشت که الان آفریقایی‌ها شهروند درجه دو جهان نبودند. حقوق بشر اگر در دنیا خریدار داشت که خاورمیانه این همه جنگ به خود نمی دید.

بله، دنیای سیاستمداران، دنیای حرف‌های قشنگ و البته دروغ است. آن‌هایی که تفریح‌شان، خون‌بازی است.

آن‌هایی که امضای‌شان، موشک می‌شود و روی سر کودکان فرود می‌آید. بدبختی، سیاهی و مرگ؛ سوغات اهالی سیاست برای مردم است. چه خوب گفت سهراب سپهری که:

جای مردان سیاست بنشانید درخت
که هوا تازه شود.../ عصرایران

## دو پژوهشگر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در بین دو درصد برتر دانشمندان جهان





معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: بر اساس داده‌های منتشر شده توسط تیم تحقیقاتی دانشگاه استنفورد، دو نفر از پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در فهرست دو درصد دانشمندان برتر جهان در سال ۲۰۲۲ با بیشترین میزان تأثیرگذاری قرار گرفتند.

دکتر اکرم فرهادی اظهار داشت: تیم تحقیقاتی دانشگاه استنفورد هرساله بر اساس معیارهای علم‌سنجی و با محاسبه شاخصی به نام «شاخص استنادی مرکب»، افرادی را که در رشته‌های خود تأثیرگذار هستند، تحت عنوان دانشمندان یک درصد و دو درصد دانشمندان انتخاب می‌کند.

وی افزود: بر اساس گزارش متخصصان دانشگاه استنفورد که باکار بر روی داده‌های اسکوپوس انجام شده است، فهرست دانشمندان پر استناد در تمامی رشته‌ها و نیز دو درصد برتر حوزه‌های علمی شناسایی و معرفی شدند که دکتر بهمن رماوندی و دکتر سینا دوبرادران از پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در فهرست دو درصد دانشمندان برتر جهان در سال ۲۰۲۲ قرار گرفته‌اند.

معاون تحقیقات و فناوری خاطرنشان کرد: در این فهرست، پارامترهای متعددی بر روی مقالات منتشره در پایگاه استنادی اسکوپوس از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۳ میلادی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است که از جمله آن می‌توان به تعداد مقالات و تعداد ارجاعات به مقالات شامل یا بدون خود استنادی نویسنده، تعداد مقالات تک نویسنده، درصد استناد نویسندگان به مقالات خود، رنکینگ دانشمندان در حوزه‌های تخصصی و معرفی حوزه تخصصی نویسندگان اشاره کرد.

لینک داده‌های منتشر شده توسط تیم تحقیقاتی دانشگاه استنفورد:
https://elsevier.digitalcommonsdata.com/datasets/btchxktzyw/۶

## مجوز نخستین شرکت هواپیمایی بومی استان بوشهر صادر شد

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری بوشهر گفت: مجوز شرکت هواپیمایی لیان به عنوان نخستین شرکت هواپیمایی بومی این استان صادر شد. معاون استاندار بوشهریادآورشد: با پیگیری شرکت سرمایه گذاری و توسعه استان بوشهر و همکاری و همراهی سازمان هواپیمایی کشور مجوز شرکت هواپیمایی لیان به صورت منطقه ای صادر شده و شرکت اکنون در مرحله جذب سرمایه برای خرید هواپیما است.

باستین ادامه داد: در این مرحله لازم است شرکت‌های بزرگ مستقر در استان به ویژه شرکت های مربوط به صنایع نفت، گاز و پتروشیمی با حمایت از این شرکت نوپا و با سرمایه گذاری موثر، شرکت را در خرید هواپیماهای مختلف و متنوع مسافری و باری یاری کنند.

## کسی به فکر مشکلات کارگران نیست!

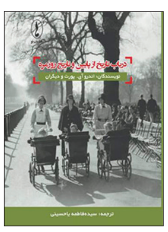
تعطیلی هیات حل اختلاف اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی بوشهر و سردر گمی قاطبه بزرگ کارگران، وظیفه این هیات رسیدگی به دعاوی کارگران و اختلاف کارگری و کارفرمایی و صیانت از نیروی کارگری در بنگاه‌ها و حل و فصل مشکلات قشر کارگری می باشد که بالغ بر۴ ماه در بوشهر از عدم برگزاری آن می گذرد.

متاسفانه کارگران درمانده و مستاصل که معیشت آن‌ها به رأی این هیات بستگی دارد و هیچ فریادرسی ندارند درخواست دادرسی کار آنان معطل مانده و به هر کجا حتی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی مراجعه کرده‌اند جواب قانع کننده‌ای نگرفته اند.

هیأت حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی با ساختاری سه جانبه متشکل از نمایندگان کارگران، کارفرمایان با فلسفه هیات‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار برای رسیدگی به اختلافات کارگری و کارفرمایی ناشی از قانون کار و مقررات تبعی آن جهت رسیدگی به دعاوی کارگران و کارفرمایان ایجاد شده است اما مدت مدیدی است تشکیل نشده و انتظار می‌رود مسئولین استانی و کشوری جهت احقاق حقوق حقه قاطبه بزرگ کارگران ضمن توضیح علت تعطیلی این هیات از مدیرکل اداره تعاون و کار، در جهت احیای آن گام های موثری بردارند./ لیدنیوز

### به همت مترجم بوشهری؛

## ترجمه کتاب «در باب تاریخ از پایین و تاریخ روزمره» منتشر می‌شود




کتاب «در باب تاریخ از پایین و تاریخ روزمره» نوشتهٔ اندرو آی.پورت و دیگران با ترجمهٔ سیده فاطمه یاحسینی، مترجم بوشهری به همت انتشارات «هامون نو» راهی بازار کتاب می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، این اثر شامل سه مقاله از سه نظریه‌پرداز تاریخ است که هر کدام از منظری خاص به تاریخ پرداخته‌اند؛ تاریخ از پایین، تاریخ خرد و تاریخ روزمره. نثر کار فنی است و مترجم برای فارسی کردن روان متن، تلاش بسیاری کرده است. این اثر در ۱۷۶ صفحه قطع رقعی به همت انتشارات «هامون نو» منتشر می‌شود. در پشت جلد این کتاب آمده است: «سه مقاله گردآوری شده در این دفتر از جمله مقالات تحلیلی است که غالبا خواندن و درک کامل آن‌ها نیاز به پیش‌زمینه‌های دانشی فراوانی دارد. نویسندگان غربی این متون، بسیاری از جریان‌های فکری مکاتب تاریخ‌نگاری کتاب‌ها و شخصیت‌ها را مسلم فرض کرده و بدون آن‌که توضیح چندانی درباره آنان بدهند، فقط به آن‌ها اشاره و استناد کرده‌اند. این امر درک و فهم مطلب را برای خوانندگان فارسی‌زبان که البته مقالات برای آنان نوشته نشده است، تقبل و سخت کرده است.

با این وجود، این مطالعات جلوی مطالب تئوریک، روش‌شناختی و محتوایی چندی است که برای ما فارسی‌زبانان مطالعه و کاربست آن جالب و حتی مغتنم است.» به گزارش ایبنا، سیده فاطمه یاحسینی علاوه بر ترجمه کتاب حاضر، دو کتاب آنفلونزای ۱۹۱۸ در آمریکا و ایران (با نویسندگی مارگارت همفریز و امیر ارسلان افخمی سال ۱۴۰۰) و «راه شاهی و راه‌آهن بوشهر- برازجان» (با نویسندگی سیدقاسم یاحسینی سال ۱۴۰۱) از سوی انتشارات هامون تو منتشر شده است.

# مردانی آویخته، در مقابل زنانی فرهیخته

**دکتر عباس حاتمی**



این روزها موقع عبور از مقابل فروشگاه‌های شهر، می‌بینیم که زنان در حال حرف زدن با فروشندگان هستند و شوهران‌شان درحالی‌که حدود یک متر عقب‌تر از آن‌ها ایستاده‌اند، فقط سرشان را تکان می‌دهند. زنان از فروشگاه‌ها کاتالوگ می‌گیرند و با دقت آن‌ها را می‌خوانند.

این زنان هستند که می‌دانند کابینت آشپزخانه چگونه باشد؟ خرید کدام خودرو با صرفه‌تر است، آداب رفتار در رستوران چگونه است، با توجه به بودجه خانواده، سفر به کدام کشورها باصرفه‌تر است و منظور کارمندان آژانس‌های مسافرتی از برخی اصطلاحات فنی چیست، برای بیماری‌های مختلف کدام دکتر بهتر است، هم اکنون فیلم‌های خوب سینماها کدام‌اند و بچه‌ها برای رشد بهتر به چه کلاس‌های آموزشی نیاز دارند. اصولاً زنان قواعد زندگی در جامعه امروز را یاد گرفته‌اند و تلاش می‌کنند بیشتر هم یاد بگیرند و در مقابل، مردان در این خصوص روز به روز کم تحرک شده و به حاشیه می‌روند. گزارش‌ها نشان می‌دهد مطالعه در بین زنان بیشتر است. بیشتر دانشجویان علیرغم سهمیه‌های ناعادلانه کنکور، دختر هستند، معمولاً دختران دانشجو بهتر صحبت می کنند. با زمانه، خوب پیش می‌روند. روابط عمومی خوبی دارند، برخلاف پسران که عمدتاً با رخوت و کم علاقگی به دانشگاه می‌آیند، دختران با انگیزهٔ پیشرفت در جامعه، به دانشگاه می‌روند. به فعالان اجتماعی مختلف دقت کنیم که تعداد زنان در بین این فعالان روزبه روز بیشتر می‌شود. انجمن‌های خیریه را ببینیم که زنان نقش پررنگی دارند. به اعتراضات مدنی سال‌های اخیر توجه کنیم، برای مَثال صف اول بیشتر تجمعات محیط زیستی را زنان تشکیل می دهند.

شاید آرایشگاه‌ها مملو از زنان باشد ولی هم‌زمان کلاس‌های آموزشی مختلف از زبان انگلیسی تا آموزش برنامه‌نویسی، تا مولانا شناسی مملو از زنانی است که انگیزه فراوانی برای پیشرفت دارند.



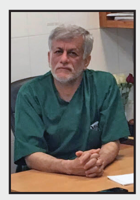
بررسی ها نشان می‌دهد که بیشتر زنان مدیر یا عضو کانال‌های تلگرام و اینستاگرام و... هستند که فن یا مهارتی را برای زندگی بهتر آموزش می‌دهند. زمانی زنان در مهمانی‌ها فقط از مانیکور ناخن و مش کرم کاراملی حرف می‌زدند و مردان از سیاست، اقتصاد و زندگی روزمره. به‌تدریج شاهد هستیم که در مهمانی‌ها، زنان علاوه بر حرف زدن درباره هایلات شکلاتی مو و ماسک‌های میوه‌ای صورت، درباره آخرین کتاب‌هایی که خوانده‌اند، محیط‌زیست، حقوق شهروندی و ارزش‌های پُست‌مدرنیسم صحبت می کنند. ولی در مقابل مردان عموماً از بهترین زمان برای خرید خانه، مغازه‌های فروش لاستیک و در نهایت نشان دادن کلیپ‌های طنز و موزیک به همدیگر!!

اشتیاق زنان برای پیشرفت و ورود به عرصه‌های گوناگون اجتماعی به دلیل تحقیر تاریخی آنان است که با گشایش فرصت‌های هر چند کوچک، تلاش می کنند تا به نحو احسن از آن فرصت‌ها استفاده کنند و خود را اثبات نمایند. پیشرفت زنان را امری نرمال و در راستای تحولات اجتماعی می‌دانیم و نگران عقب ماندن مردان هستیم.

پیش‌بینی می‌شود با این روند، در یکی دو دهه آینده شاهد مردانی آویخته، در مقابل زنانی فرهیخته خواهیم بود. منظورم مردانی آویخته به جریان مدرنیسم اجتماعی با سنجاق است که هرلحظه امکان افتادن آن‌ها وجود دارد، این وضعیت پیامدهای خودش را خواهد داشت. حسادت، لجبازی، احساس سرخوردگی و پنهان شدن در پشت تعصبات به قصد محدود کردن زنان توسط مردان و در کل عمیق‌تر شدن تفاوت نگاه و نگرش به زندگی بین زنان و مردان از جمله آن‌هاست.

خیابان‌ها را دقت کنید تعداد رانندگان زن بیشتر از رانندگان مرد هست. در استارت آپ و فعالیت‌های اقتصادی نیز روز به روز بر تعداد خانم‌ها افزوده می‌شود. زنان دوچرخه سوار، ورزشکار در پارک‌ها و... روز به روز بیشتر می‌شوند. حتی انتخاب همسر و ازدواج نیز در دست زنان هست.

# بنادر بوشهر گنجینه طلایی ایران، محتاج وعده آزاد شدن ته‌لنجی!



**دکتر عبدالرحیم مهرور**

آیا می دانید بوشهر اولین استانی بوده که در صد سال گذشته در دوره اشغال انگلیس راه آهن داشته ولی اکنون بعد از کهگیلویه آخرین استانی است که از داشتن راه‌آهن محروم است. برای توسعه یک استان ابتدا باید شهروندان آن استان فعال و مطالبه‌گر باشند. فعال در زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی. متاسفانه در جامعه امروزی ما چنان مردم را سرگرم مشکلات فرعی نموده‌اند تا به مشکلات اصلی از جمله تبعیض‌های اجتماعی، اختلاس‌ها و مسائل مهم سیاسی دور بمانند.

حال چرا استان بوشهر با داشتن بیش از ۱۰ بندر اقتصادی، تجاری، صیادی و گردشگری از محروم‌ترین استان‌های کشور است در صورتی که در اکثر بنادر جهان بخاطر اشتغال‌زایی زیاد حتی یک نفر گرسنه هم یافت نمی‌شود!

۱- بنادر اقتصادی عسلویه و کنگان: سرشار از منابع گاز پارس جنوبی که با قطر مشترک بوده اما هنوز مردمان منطقه، آلودگی و فقرش را یدک می‌کشند. اخیرا هم قرار است پارک شیمیایی کشور در ناینبد عسلویه احداث شود، خدا داند که چه خوابی برای این مردم دیده‌اند!

۲- بندر طاهری و سیراف: که زمانی به مروارید خلیج فارس معروف بودند و روابط تجاری با چین، اروپا و آفریقا داشتند و اکنون پالایشگاه‌های گاز هستند اما فراموش شده‌اند.

۳- بندر دیر: بزرگ‌ترین بندر صیادی کشور بوده که بین منطقه گازی پارس جنوبی و شمالی قرار گرفته و با ۲۰۰ کیلومتر فاصله با کشور قطر این کجا وآن کجا؟!

۴- بنادر قدیمی لاور، بوالخیر و دلوار: در محدوده منطقه گازی پارس شمالی قرار گرفته‌اند که هنوز از این منابع خدادادی بهره‌برداری نشده و در کوه‌های اطراف‌شان چاه‌های نفتی و گازی وجود داشته که دست نخورده و بخاطر نفت فراوان فوران دارند.

۵- بندر متروکه بوشهر: که امروزه نام بامسمای بندر آزاد را هم یدک می کشد (بندر نگین!!) حال این نگین کجا و آن بندر آزاد جبل علی امارات و یا کراچی پاکستان و یا بندر آزاد شانگهای چین کجا؟

بوشهر بندری که فقط از آن گاهی ماشین‌های لوکس خارجی برای اربابان زر و زور و تزویر وارد می‌شود و یا خوراک دام سرطانزایی که آغشته به قارچ مرگبار افلاتوکسین بوده و باز هم عده‌ای از خواص سودش را می‌برند البته صادراتی هم دارد بنام خاک زرخیز استان فارس و بوشهر!



۶- بندر ریگ: بندری که زادگاه میرمهنای بندر ریگی از سردارانی که مثل رئیسعلی دلواری با هلندی‌ها و انگلیسی‌ها جنگید و آن‌ها را از جزیره خارگ بیرون کرد.

۷- بنادر گناوه ، دیلم و امام حسن: از بنادر تجاری و گردشگری استان می‌باشند که در کنارشان چاه‌های نفت گهره از طریق بندر امام حسن نفت خام پمپاژ شده به جزیره خارگ می‌رسانند و متاسفانه موارد پسرفت آن‌ها بیشتر از پیشرفت‌شان است.

۸- بندر و جزیره خارگ: جزیره‌ای که از هر طرف سوپر تانکرهای غول پیکر نفتی احاطه‌اش کرده‌اند و برای بردن نفتش ثانیه شماری می کنند.

در نتیجه تمام شهرهای استان بوشهر حتی شمال شهرستان دشتستان هم حاوی چاه نفت و یا گاز هستند، اما امروزه حال و هوای ناخوش مردم استان محتاج ته لنجی‌هایی هست که با وعده‌های سر خرمنی مدیران به امروز و فردا موکول می‌شود.

## زندگی آگاهانه

# کاهش نگرانی

**حسین زیرراهی**- مدرس مهارتهای زندگی



مغز ما انسانها دستگاه تولیدکننده نگرانی است و این کار را هم بی‌وقفه در تمام مدت عمر به صورت شبانه روز انجام می‌دهد، حتی در زمانی که خواب هستیم. دلیل آن هم این است که اصلی‌ترین وظیفه مغز زنده نگه داشتن ما است و برای این کار مرتب در حال اسکن محیط برای شناسایی خطرها و دوری کردن از آن است. این مکانیسمی حیاتی است که باعث بقای نسل انسان و پیشرفت آن شده است.

واکنش طبیعی ما نسبت به نگرانی‌هایمان به چند روش انجام می‌شود. گاهی با آن یکی می‌شویم و در نگرانی‌های خود غرق می‌شویم. زمانی تلاش می‌کنیم از آن فرار یا آن را فراموش کنیم. گاهی هم به جنگ آن می رویم. البته خیلی از کتابهای خودیاری و مدرسان انگیزشی هم با روشهای تلقین و مثبت‌اندیشی به مخاطبان خود شیوه‌های غلبه بر نگرانی را آموزش می‌دهند که تفاوتی با این روش‌ها ندارد. بگذارید با مثالی آن را روشن‌تر کنیم. فرض کنید شما نگرانید از کارتان اخراج شوید، بیمار شوید، اتفاقی برای خانواده‌تان بیافتد، ماشین‌تان خراب شود، بی پول شوید یا دارایی‌تان از دستتان برود.

در روش سنتی شما با یکی از این روشها با نگرانی‌تان مقابله می کنید: جنگیدن: اینها افکار احمقانه است و هیچ اتفاقی قرار نیست بیافتد. فراموشی، شاید به الکل، مواد مخدر و تفریحات بی‌رویه روی بیاورید که به مشکلات فکر نکنید. جایگزینی، سعی می‌کنید به چیزی غیر از این موضوع فکر کنید مثلا به خاطرات خوش گذشته یا خیالبافی در مورد موفقیت‌های آینده. بی‌خیالی، مرتب تکرار کنید که دنیا ارزش ناراحتی و غم ندارد. مثبت اندیشی، زندگی زیباست و همه اتفاقات خوب در انتظار من هستند. متاسفانه این روشها هیچ کدام موثر نمی‌شود. چون هرچه بیشتر به نگرانی‌های‌مان بی‌توجهی کنیم بعدا به صورت فورانی در جای دیگری بیرون می‌زند. بقول دکتر راس هریس نویسنده کتاب «تله شادمانی» سرکوب افکار مزاحم مانند نگه داشتن یک توپ زیر آب است. به محض این که دستتان خسته شد با سرعت به بیرون می‌پرد.

در عوض در روانشناسی توصیه می‌شود که به جای همه این کارها به آن فکر یا نگرانی توجه شود. به افکارتان گوش کنید و ببینید برای چه چیزی نگران یا ناراحت است. یک روش خوب نوشتن نگرانی‌ها است. برای هر موضوعی که نگران هستید آن را یادداشت کنید. گاهی دلیل نگرانی‌مان را فراموش می‌کنیم و فقط اثر آن روی ما باقی می‌ماند. به همین دلیل هم وقتی شروع به نوشتن فهرست نگرانی‌ها می‌کنیم از این که خیلی وقتها برای مسائلی کم اهمیت و پیش پا افتاده نگران هستیم تعجب می‌کنیم. بنابراین بد نیست هر روز چند دقیقه را به نوشتن فهرست نگرانی‌های خود اختصاص داده و این کار را به عادت تبدیل کنید. برای راحتی می‌توانید آن را دسته‌بندی کرد. مثلا نگرانی در مورد: محیط کار؛ اعضای خانواده؛ سلامتی خود؛ به انجام رساندن کارهای روزمره و آینده زندگی خود و خانواده. روش دیگر انجام کار عمیق است. وقتی در کار خود غرق می‌شویم بیشتر توجه‌مان به آن کار اختصاص داده می‌شود و به مسائل دیگر فکر نمی‌کنیم. خستگی ناشی از آن هم باعث می‌شود خواب راحت‌تری داشته باشیم.

**شعری از زنده یاد**
**استاد محمد رضا نعمتی زاده**



**پیش طوفان دلم ...**

**پیش طوفان دلم،**
**سینه ی دریا تنگ است**
**اسب سودای مرا،**
**پهنه ی صحرا تنگ است.**

**از تو لبریزم و در خویش نگنجم، آری**
**کوزه، بهر دل طوفانی دریا تنگ است.**

**آن چنانم به تو مشغول به اقلیم خیال،**
**که به پیش نظرم، عرصه‌ی دنیا تنگ است.**

**منم آنسان که نگنجم به چنین قالب تنگ**
**باد سودا زده را روی زمین، جا، تنگ است.**

**دل شوریده‌ام ازسینه به تنگ است، به تنگ**
**آشیان پیش پَرُ بادیه پیما تنگ است.**

**چون مسافر که زشهری گذرد- بر سر راه-**
**چشم مشتاق مرا، وقت تماشا تنگ است**

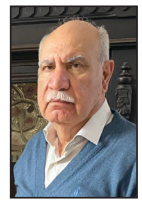
**عشق در قالب تقریر کجا می گنجد ؟**
**جامه ی لفظ بر این معنی والا تنگ است.**

**بندر بوشهر آبان ماه۱۳۴۳.**

**فانوس**

**متن ادبی جمیل رزمی**

**وقتی بادها ، زوزه کشان**
**زمین تهی شده از سرورا**
**نهیب می زدند**
**تو دانه کاشتی**
**وقتی سیل ویرانگرخمودی**
**بچه ها را یکی یکی می برد**
**تا به هیچ**
**تو آب نما بستی**
**و آنگاه که فانوس راروشن کردی**
**آینه ها در تکثرخود**
**چلچراغ را به بازی گرفتند**
**واکنون  تو هستی و دانه و آب و آینه**
**وفانوس**
**و دیگر هیچ**



# خاطرات دیدن فیلم در سینماهای قدیم شهر بوشهر

## تقدیم به علاقمندان سینما

**غلامرضا شریفی‌خواه**

در دوران نوجوانی اواسط دهه چهل شمسی تفریح برخی از بچه های بندر بوشهر، این بود که با پای برهنه (پتی) یا در کنار دریا می گذراندم و یا رفتن به بازار قدیم و دروازه شهر و بعضی اوقات هم با بچه های محل در میدانی جمع شده و مشغول به بازی‌های گروهی (دسته جمعی) می‌شدیم و خیلی خوش می گذشت. تا این که کم کم بزرگتر و به سینما علاقمند شدم. به قولی که در عامه مردم می گفتند سینمارو، یعنی عادت رفتن به سینما.

شاگردی کردم تا بتوانم پول بلیط برای دیدن فیلم در سینما را آماده کنم. اولین دیدن فیلم من، تماشای یکی از شاهکارهای سینما هند به نام «مادر هند» بود که در آن بازیگران «راجندرا کمار، سونیل دات، راج کمار، نرگس دات» شرکت داشتند. البته به اتفاق رفیق‌های همراه پرویز زاهدی معروف به «پرو» و علی دولتی معروف به «علی پله» فوتبالیست برِزیلی که شناخته شده در میان مردم، ما هر سه نفر با جیب پر از تخمه هندونه بو داده (تفت داده) به سینما پارس که به سینمای شبانه تابستونه و یا بی‌سقفو معروف بود رفتیم. این سینما از آن آقای عبدالحمید محمدیان بود که تلاش‌های زیادی برای برپایی و نگهداشتن سینمای شهر می کرد و قبل از آن سینمایی داشت به نام «ایران» که در جای پاساژ توحید در خیابان شاپور (لیان کنونی) بوده است. سینما پارس در کنار پمپ بنزین فعلی شهر واقع و در ضلع غربی آن فروشگاه ارتش و دیگر محوطه‌ای بزرگ که متعلق به سازمان عمران که در آن هم کارواش و تعمیرات ماشین‌ها انجام می گرفت و در بعضی از فصول سال (گاردن پارتی) گردهمایی، جشن‌ها و مهمانی‌ها و بازی‌های کارتی بُرد و باخت با همراه خوانندگان اجرا می‌شد.

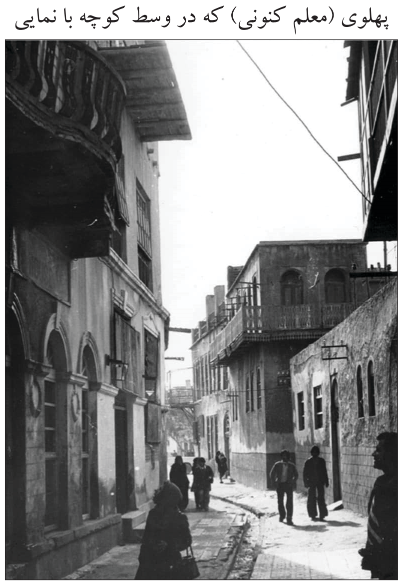
قبل از شروع فیلم در جلو سینما آب پاشی و دکه‌های فروش از جمله جیگر فروشی، سمبوسه، ساندویچ با نون بازاری «نون پیچ» و تنقلات و نوشابه شروع به کار می کردند و ساعتی قبل از نشان دادن فیلم آهنگ‌های عربی که خوانندگان ایرانی می‌خواندند و صدایش تمام شهر را فرامی‌گرفت این سینما همیشه مالامال از تماشاگر که تشکیل‌دهنده همه قشرهای جامعه بود. صندلی‌های تمام فلزی که ده تا ده تا به هم جوشکاری شده بود و بهای هر بلیط ۱۰ و ۱۵ ریال، فیلم هندی، فارسی، انواع فیلم‌های خارجی «هرکوبی، گلادیاتوری، ماسیستی، تاریخی» در آن جا اکران می گردید. من فیلم‌های زیادی در این سینما دیدم با خاطرات خوش حتی فیلم ۳ ساعته (ده فرمان) که در آن فیلم «چارلتون هستون ویول برینر» شرکت داشتند. بارها اتفاق می‌افتاد به علت علاقه زیاد و نداشتن پول بلیط، در اواسط نشان دادن فیلم در داخل سینما می‌رفتم و در کنار دیواری می‌ایستادم و نگاه می کردم.

از همان زمان‌ها متداول شده که عده‌ای تماشاگر در حین دیدن صحنه‌های زد و خوردی برای آرتیست فیلم شپ و فیکه می‌زدند و با دیدن فیلم‌های کمدی خنده‌های بلند سر می‌دادند.




**شب افتتاح سینما فانوس در بوشهر - سال ۱۳۴۵**

سینمای دیگری که مخصوص فصل زمستان بود که در دورهٔ ما سینما ساحل می گفتند. تاریخچه این سینما ابتدا توسط آقای «محمد غوث» به نام سینما خیام که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی افتتاح گردید و بعد از مدتی تعطیل و با تغییر نام سینما، تا این که در سال ۱۳۴۷خورشیدی فعالیت خود را با مدیریت آقای «ایرج پورمروت» به نام سینما ساحل شروع شد. این سینمای دو طبقه در کوچه‌ای رو به خیابان پهلوی (معلم کنونی) که در وسط کوچه با نمایی



شکیل و متمایز از ساختمان‌های دیگر واقع بود. سالن انتظار در پایین سینما که اطراف دیوار آن پلاکات و یا پوسترهای کاغذی مربوط به فیلم‌های برنامه آینده نصب شده بود. فیلم‌های خارجی سال ۱۹۷۰ میلادی «وسترنی یا کابویی و کمدی (چیچو و فرانکو) هندی و فارسی» به نمایش درمی‌آمد در طبقه فوقانی سالن سینما جای دنجی برای تماشای فیلم بود. اکثراً سینما بعدازظهرها و شبها باز بود. به یاد دارم فیلم‌های فارسی «هاشم خان و خداحافظ تهران»، مردم به سختی موفق به گرفتن بلیط می‌شدند و به حالت بازار سیاه هم درمی‌آمد. در سال‌های بعد دو فیلم با یک بلیط نمایش می‌دادند. پوسترهای بزرگ فیلم‌ها در رو به روی فلکه دروازه (میدان انقلاب) جایی کنار مسافرخانه محمود گشمردی




نصب می کردند. ساندویچی معروف «مسلم گل عین» نزدیک سینما، کنار خیابان با ساندویچ کالباس خوشمزه‌اش که خریداران زیادی داشت و عده‌ای قبل از ورود به سینما میل می کردند. بعضی از جوانان طرفدار هنرپیشه محبوبشان «محمدعلی فردین» بودند که با تیپ و قیافه و لباس ایشان ظاهر می‌شدند که «فردینی» می گفتند و عده‌ای هم که در رشته ورزشی فعالیت داشتند و زیبا اندام بودند آنان هواخواه «رضا بیک ایمانوردی» مرد هزار چهره سینما بودند به «بیکی» مشهور می‌شدند و بعد از دیدن فیلم‌ها این دو گروه با یکدیگر بحث و جدل می کردند. افرادی هم عشق و علاقه خاصی به هنرمند مستعد و معروفی خارجی به نام «مارلون براندو» داشتند و حتی بعضی هنرپیشگان سینمایی هم دنباله‌رو هنرنمایی وی می‌شدند. «جمشید قدرشناس» آپارات‌چی شیرازی که مدام در سینما به سر می‌برد و به خاطر زحمات بی‌دریغش مردم او را دوست می‌داشتند و بعد از ایشان دو نفر از علاقمندان به سینما به نام‌های «ابراهیم عبادی» و «موسی میهمنی» این کار را دنبال می کردند.

در سال ۱۳۴۵ سینمایی به نام «فانوس» که یکی از مدرن‌ترین سینماهای کشور بود به دست «سرهنگ خسروپناه» ساخته شد. در آن سال اطراف سینما خالی از سکنه و تا مرکز شهر هم فاصله داشت ولی یکی از آرزوهای مردم شهر به شمار می‌رفت. در افتتاح این سینما فیلم «خانه خدا» مستند ایرانی که مراسم حج را نشان می‌داد، اکران شد. مردم شهر هم برای دیدن سینمای جدید تماشای فیلم با شور و نشاط خاصی وارد می‌شدند و سپس فیلم‌های خراجی از نوع «جمینر باندی 007 از شون کانری» و تاریخی «بن هور» و ایرانی «قصر زرین» و هندی «سنگام» به نمایش درآمد. شب‌های روزهای تعطیل خانواده‌ها با لباس شیک و نو و زدن عطر و ادکلن‌های خوشبو به سینما می‌آمدند و لژ خانوادگی مخصوص بود. روزها، صبح و بعدازظهر دو فیلم بود و فیلم‌های خوب و پربیننده را هم‌زمان در دو سینما ساحل و فانوس نشان می‌دادند و حسین آقا مسئول جا به جایی فیلم‌ها در سینماها بود. سینما فانوس از استاندارد خاصی درست شده بود و برای تماشاگران آرامش به همراه داشت.

در این مکان مراسم‌هایی هم برگزار می گردید. در سال‌های اول خواننده‌ای به نام زنده یاد «عباس منتجم شیرازی» با فیلم«گنج و رنج» که خودش نقش اول را ایفا می‌کرد حضوراً در وقت میان پرده فیلم، بر روی سن کنار پرده ایستاد و با «دایره یا داریه» در دست، ترانه‌های خود را بنا به درخواست حاضرین در سینما اجرا می‌نمود. در آن زمان بلیط‌های نیم‌بها هم از طرف اداره آموزش و پرورش به محصلین مدارس برای دیدن فیلم در سینما و تئاتر در سالن فرهنگ و هنر و نمایش‌های پهلوانی عرضه می‌شد.

با تشکر از استاد عزیز آقای غلامرضا غریب‌زاده

## تیغ سانسور روی گردن فیلم‌های مهرجویی



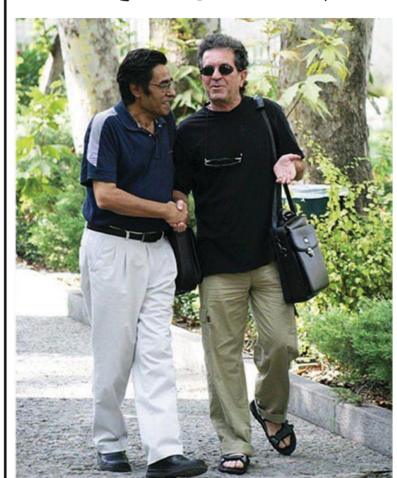
**مهسا بهادری:** بیشتر فیلم‌های مهرجویی، ناخواسته تیغ دردناک سانسور را پذیرفته‌اند»، او احتمالاً تنها فیلمسازی است که هم پیش از انقلاب فیلم‌هایش توقیف شده، و هم پس از انقلاب.

مجموع سال‌هایی که بعضی فیلم‌های مهرجویی در توقیف به سربردند به حدود ۲۵ سال می‌رسد ولی از بین همه آن‌ها، داغ توقیف «سنتوری» بیش از بقیه بر دلش باقی مانده و هنوز می‌توان حسرت و رنج آن را در کلامش پیدا کرد.

داریوش مهرجویی متولد سال ۱۳۱۸ و از کارگردان‌های موج نوی سینمای ایران بود که فیلم‌های مطرحی همچون هامون، دایره مینا، گاو، اجاره‌نشین‌ها، سارا، پری، لیلا، مهمان مامان و سنتوری را ساخته است.

خود مهرجویی در گفت‌وگویی به تاریخ آذر ۱۴۰۰ و پیش از اکران لامینور درباره این ماجرا گفت: «من این روزها در حال نوشتن خاطراتم هستم، آن‌جا خیلی از مسائل را درباره آن‌چه بر سر فیلم‌هایم آمد می گویم، اما امیدوارم وضع بهتر شود، سانسور کم شود و جلوی فیلمسازها را هم نگیرند. متاسفانه آن‌ها اجازه می‌دهند یک فیلم آن‌قدر جلو بیاید، در فستیوال شرکت کند، جایزه بگیرد، با آن پُز هم بدهند ولی بعد، شب اکران توقیفش می‌کنند. بهتر است اگر می‌خواهند جلوی کاری را بگیرند همان اول که سناریو را می‌خوانند بگویند، نه وقتی که این همه جلو رفتی و کلی خرج کردی.»

## حالم شبیه حال هامون است



**رضا صائمی:** دو سکانس از «هامون» را به یاد می‌آورم. یکی آن‌جا که هامون روزنامه را باز می‌کند و چشمش به تیتری از سر بریدن عده‌ای در پاکستان می‌خورد و بهت‌زده می‌شود و حالا ۳۴ سال بعد خالق هامون به همان تقدیر دچار می‌شود. سکانس دیگر مربوط به همان اوایل فیلم و کابوس هامون است که می‌گوید: «خواب دیدم که در سردابه قرون وسطایی سلاخی شدم».

حالا انگار این کابوس شوم برای کارگردان هامون تعبیر شد. حالم شبیه حال هامون است وقتی به دکتر روانکاو (جلال مقدم) این شعر نیما را در اوج استیصال می‌خواند که «ما آویخته‌ها به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خویش را».

## آثار سینمایی مهرجویی معتبر و افتخاری برای سینمای ایران




**دکتر سعید معدنی:** داریوش مهرجویی هم رفت و چه غمگین رفت. هنوز اطلاعات دقیقی از هویت قاتلین و چگونگی حادثه منتشر نشده است.

او از نسل فیلمسازان برجسته‌ی موج نو سینمای ایران بود و یکی از شناخته شده‌ترین فیلمساز در سطح ملی و جهانی است. بسیاری مهرجویی را برای فیلم‌هایی مثل «گاو» و یا «هامون» تحسین می کنند. اما من ضمن تایید افتخار آثار فوق برای سینمای ایران، وی را به خاطر فیلم «سنتوری» و رمان «به خاطر یک فیلم بلند لعنتی» شخصیتی فهیم و ارزشمند می‌دانم و به وی احترام می‌گذارم. سنتوری مجوز پخش نگرفت و نسخه کپی آن در بازار سیاه پیدا شد اما خوشبختانه رمان چاپ شد.

مهرجویی در این دو اثر که در سنین ۶۰-۷۰ سالگی نوشته و ساخته، نشان می‌دهد علیرغم مسن بودن و فاصله‌ی سنی با جوانان، دردها و رنج‌های جوانان کشورش را چه خوب می‌فهمید. به جز چند فیلم، غالب آثار سینمایی مهرجویی معتبر و افتخاری برای سینمای ایران است. وی از دانشگاه یوسی ال ای آمریکا لیسانس فلسفه داشت و آثاری را نیز ترجمه کرده است. یاد و نامش گرامی.

## جنایتی که فراموش نمی‌شود



**افشین امیرشاهی:** این جنایت روح و روان جامعه را به هم ریخته است. فقط به واژه‌هایی که بسیاری از مردم، اهالی سینما، روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان فرهنگ و هنر در همین چند ساعت برای بیان درد و غم‌شان به کار گرفته‌اند، دقت کنید. واژه‌هایشان بی‌تاب است، دردناک است، تند است و ناخوش. مردم تا کی و کجا باید خبرهای ناخوش را تحمل کنند؟ آستانه تحمل جامعه تا کجاست؟ حوادث و خبرهایی که هر کدام‌شان تنش‌های روحی و روانی به بار می‌آورد و روی جسم و جان انسان سنگینی می‌کنند. مردم باید روی خوشی را هم ببینند. نمی‌شود که دائماً کابوس باشد و اضطراب و افسردگی. همین می‌شود که بسیاری از موضوعات جامعه، استعداد تبدیل شدن به عاملی برای تنش اجتماعی و تحریک افکار عمومی را دارد. آستانه تحمل جامعه در وضعیت قرمز است. جامعه ناراضی، تحمل‌پذیری پایینی دارد. در چنین شرایطی از دولت انتظار می‌رود به وضعیت روحی مردم خودش توجه نشان بدهد و امنیت جامعه را بیش از پیش در نظر بگیرد. انعطاف داشته باشد و براساس خواست مردم عمل کند.

قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر از آن دست حوادثی است که تنها دو قربانی نداشت. درچنین حوادثی بسیاری از افراد جامعه نیز قربانی می‌شوند. چون این حوادث حس ناامنی فراوان درمیان مردم و جامعه تولید می‌کند. باعث رعب و وحشت می‌شود. بار روانی بالایی دارد. اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد. این جنایت از آن دست اتفاقاتی است که فراموش نمی‌شود و استرس آن تا مدت‌ها باقی می‌ماند. در جامعه ما که حوادث تلخ، مصداق‌های فراوانی داشته و مسائل بزرگ و حل‌نشده‌ای هم ایجاد کرده است، چنین حوادثی می‌تواند به‌عنوان یک عامل آزادکننده نگرانی‌ها و مطرح شدن مسائل قبلی عمل کند. نتیجه اینکه هر استرس جدید بر مردم، می‌تواند فشارهای ناشی از این مسائل را دوباره زنده کند.

## چگونه این پایان را باور کنیم؟



**عباس نصراللهی:** در تاریخ ۲۲ مهر ۱۴۰۲، در یک شب تقریباً سرد پاییزی، خبر می‌رسد که کسی به خانه مهرجویی و همسرش رفته و آن‌ها را با ضربات چاقو سلاخی کرده است. آقای مهرجویی، چگونه با چنین نگرش و کارنامه‌ای باید بنشینیم و نظاره کنیم و البته باور کنیم که چنین پایانی برای شما رقم خورده است. شاید هرکس دیگری کارنامه پربار شما را داشت، مستقیماً به دل حواشی می‌رفت، آدمی پرشور چون شما که مشخصاً در جای درست تاثیر گذاری خود ایستاده بود و تا سنین پیری هم شور و هیجان‌اش را حفظ کرده بود، می‌توانست آدمی باشد که قاطی بازی‌های بسیاری می‌شود، اما شما عاشقانه برای نسل‌های مختلف فیلم ساختید و هر بار چیزی به مخاطبان و البته کلیت سینما اضافه کردید. آقای مهرجویی ما با گاو، هامون، دایره مینا، پری، لیلا، اجاره‌نشین‌ها، درخت گلابی، مهمان مامان و... سینما را بهتر شناختیم و فهمیدیم که اینگونه هم می‌توان فیلم ساخت، می‌توان آدم رویاپردازی بود و گام‌های بزرگ برداشت، شما چند نسل را به دنبال خودتان فیلمساز کردید (و به گفته تاریخ با اصرار بر نمایش گاو، پس از انقلاب این سینما را نجات دادید، سینمایی که اکنون چیزی از آن نمانده و ظاهراً وقت تغییرات اساسی آن رسیده است) شما در ذهن همه ما، همانند نام فامیلی‌تان، به دنبال مهر و امید بودید، هرچند از راه خودتان و هرچند گاهی تلخ و گاهی تلخ و طناز، اما ما چنین پایانی را در هیچ کدام از فیلم‌های شما ندیدیم که حالا بخواهیم زیستن آن‌ را باور کنیم، شما آدم خون و خونریزی نبودید، شما آدم دیالوگ و روشنگری بودید، نه آقای مهرجویی، این پایان غلط است، حیف که نمی‌توان تغییرش داد، اما ما همیشه و برای بار چندم و صدم و هزارم به شما و فیلم‌هایتان رجوع می کنیم و یادمان نمی‌رود که شما برای ما که بودید و چه کردید.

سفرتان بخیر، گرچه که تلخ و سخت رفتید، اما شما فیلمساز زمانه خود در زمانه‌های مختلف و حتی زمانه‌های پیش و پس خود بودید و رسیدن به چنین جایگاهی، به‌هیچ‌وجه کار آسانی نبوده، که شما میسرش کردید.

## آقای مهرجویی سفره‌ی پهن نشده‌ی خانه‌ی شما کابوس ابدی ما شد

**زهرا علی‌اکبری**

این زنگ ساعت‌ها نیست که صبح‌ها ما را از خواب بیدار می‌کند. این خبرهای شوم است که زندگی را از ما می‌رباید. ابتدای صبح وقتی قرار است پی آغاز باشیم در چاه بی‌نهایتی فرو می‌رویم. یخ می‌کنیم. یخ می‌زنیم و منجمد می‌مانیم تا خبری دیگر آوار شود.

اتفاق شوم در سیاهی شب رخ می‌دهد و پرده‌ی شب که برداشته می‌شود خبر آن اتفاق هولناک، آدمی را در بهت و حیرت فرو می‌برد.

داریوش مهرجویی قرار است بابت اتفاقی که شنبه شب رخ داد و ادامه‌ی روزهای زندگی را از او ربود تا خانه‌ی ابدی‌اش بدرقه شود. چه خوش شانس بودیم ما؛ در عصر و زمانه‌ای نفس کشیدیم که مهرجویی در آن زیست. ما آخرین نسلی هستیم که روی صندلی‌های سینما، هامون را دیدیم و لیلا و پری و درخت گلابی را. لحظه لحظه‌ی فیلم‌ها را نفس کشیدیم.

فکر می‌کنم به دستی که زندگی را با مرگ معاوضه کرد. به تیغه‌ای که بر گردن مهرجویی را نشانه گرفت. حیات ستونی ستبر از سینما را.

وقتی شنیدم آخرین پیامکی که برای دخترش فرستاده، خطابی بوده برای خوردن شام، سفره برایم مفهومی دیگر پیدا کرد. مهرجویی در فیلم‌هایش بارها و بارها خانواده‌ی ایرانی را سر سفره نشاند. با خلق تصاویر بدیعی که تنها از عهده‌ی او بر می‌آمد، همه را به کبابی مهمان کرد که در خانه‌ی در حال ویرانی اجاره‌نشین‌ها پخته شد. صحنه‌ی پختن شله‌زرد نذری در حافظه‌ی بصری همه‌ی ما هست، مهرجویی بر پرده‌ی نقره‌ای سینما این تصویر را جاودانه کرد. شام‌های دو نفره‌ی لیلا و مردی که به بهانه‌ی بچه‌دار شدن زنی دیگر را در خانه‌ی امن لیلا جا داد. وقتی سارا، نگران واکنش حسام به راز پنهانش بود، هم غذا و سفره نقشی اساسی را در تصاویر ایفا کرد. سارای فیلم سارا سفره‌ای بزرگی گسترانید تا آخرین تولد همسرش را جشن بگیرد.

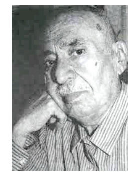
سفره‌ای که برای همه بر سر آن جا بود در مهمان مامان پهن شد. حالا که زندگی را از مهرجویی ربودند و او را از ما، تک تک فریم‌هایی که مقابل چشم‌مان خلق شده است معنا و مفهومی دیگر می‌یابد.

هامون، این تجربه‌ی بی‌نظیر و جریان‌ساز سینمای ایران را به یاد بیاورید. صحنه‌ای که سفره را در آن باد برد. کسی نتوانست دور سفره‌ای که قرار بود همه را جمع کند، بنشیند. انگار در فیلم هامون پیشگویی کرده بود که این سفره از کف می‌رود و کم‌کم جایی برای جمع شدن باقی نخواهد ماند. آن دیالوگ درخشان را به خاطر بسپارید: «خواب دیدم که در سردابه قرون وسطایی سلاخی شدم».

داریوش مهرجویی دخترش را برای شام فراخوانده بود. قرار بود شنبه شب، حوالی ساعت ده و بیست و پنج دقیقه، یعنی همان لحظاتی که دخترش به خانه می‌رسید، سفره‌ای پهن شود و مهرجویی و خانواده‌ی کوچکش بر سر آن بنشینند و غذایی بخورند. پیش از این اما دستی یا دستانی تیغه‌ی چاقو را سهمگین در رگ گردن مهرجویی فرو کرده و حیات را از او و همسرش ربوده بود.

دنیای بی‌رحمی است. هشتاد و سه سال زندگی کردید اما دریغ که دستی ناپاک فرصت گستراندن سفره را از شما گرفت آقای مهرجویی. دریغ. دل ما به حال خودمان می‌سوزد که سفره‌ی خانه‌ی شما پهن نشده، جمع شد.

# مرگ فرماندار



**به قلم شادروان عبدالرحیم جعفری ( روزنامه نگار بوشهری )**
**( تولد: ۱۳۰۲ بوشهر – وفات: ۱۳۸۰ بوشهر )**

صوفیِ سرخوش از این دست که کج کرد کلاه
به دو جامِ دگر آشفته شود دستارش

شادروان َعبدالرحیم بوشهری از اصحاب باسابقه مطبوعات در بوشهر بود که با نام مستعار جلیل محبوبیان وارد عرصه روز نامه نگاری شده بود. در طول چند دهه فعالیت مطبوعاتی با نشریات متعددی نظیر روز نامه‌های گلستان، بهار ایران، دستاویز، سروش، فرودن، استمرار، پیک خجسته، وعدل چاپ شیراز و هفته نامه های ندای جنوب، نور افشان، عرشه ملی، پست خلیج، دریا کنار وسنگلاخ همکاری داشت و برای آن‌ها خبر ومقاله تهیه می‌کرد ، و همچنین سردبیری پست خلیج و دریا کنار چاپ بوشهر را بر عهده داشت. برای مجله اقتصادی تهران، اکونومیست به مدیریت دکتر باقر شریعت چاپ تهران وروزنامه های خاور، پیغام امروز، کوشش، سعادت بشر وگهگاه در روزنامه‌های اطلاعات وکیهان خبر وگزارش و مقالات اقتصادی، سیاسی، واجتماعی ارسال می‌داشت که به چاپ می رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.

مقاله زیر یکی از مقالات آن شاد روان است که: با عنوان مرگ فرماندار حکایت از داستانی واقعی است که در مدت زمانی کمتر از صد سال پیش در بوشهر افتاده است.

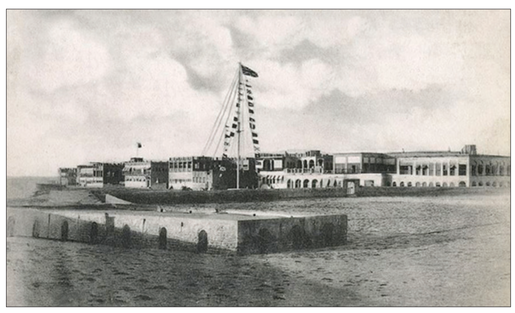
**مرگ فرماندار !**

نمایندگی سیاسی دولت بریتانیا در بندر بوشهر دکل قطور و طویلی را در زمین کنار کنسولگری (کوتی) فرو کرده بود و پرچم بزرگ بریتانیا از بام تا شام بر فراز آن با باد افشان بود ومی چرخید ودر قسمت تحتانی دکل سه پله مدور تعبیه کرده و پیرامون پله ها را با نرده آهنین محاصره کرده بودند. در وسط دکل دو چراغ سرخ وسفید با شیشه ذره بینی قوی که با نفت می‌سوخت راهنمای کشتی‌ها در دریا بود و در دریا وخشکی تا مسافت زیادی چراغ‌های سرخ و سفید کنسولگری مشاهده می‌شد، در بندر بوشهر این دکل پرچم به نام علم (کوتی) می نامیدند و علم کوتی زشت ترین ناسزا و دشنام بود که هنگام جدال لفظی و مشاجره، طرفین دعوی بیکدیگر میگفتند و حواله می‌دادند. قبل از جنگ جهانی دوم بر اثر اقدامات و مذاکرات دولت شاهنشاهی ایران با دولت انگلیس نیمه این دکل پرچم را بریدند و فرود آوردند و بردند روی بام کنسولگری و نصب کردند و پرچم بریتانیا را بر فراز آن هر بامداد می افراشتند اما نیمه دیگر آن باقی بود برای این‌که بر فراز آن چراغ‌های درخشان، راهنمای کشتی‌ها در آبهای ساحلی بندر بوشهر باشد واین را، انگلیسی‌ها برای نگهداری نیمه دکل پرچم بهانه و مستمسک قرار داده بودند.

در اوائل جنگ جهانی دوم، سید میرعلی ظهیر همایون، فرماندار بندر بوشهر به نمایندگی سیاسی دولت بریتانیا دستور داد که نیمه دکل را از زمین بر دارند و مذاکرات پی در پی شفاهی وکتبی فرماندار، جنرال کنسول وکنسول را سخت کدر و ناراضی ساخته بود و چون باین خواسته مشروع فرماندار بندر بوشهر ظهیر همایون از طرف حضرات انگلیس‌ها توجهی نشد فرماندار به شهردار بندر بوشهر اسماعیل نواب دستور داد که فورا به وسیله کارگران گمرک و رفتگران شهرداری دکل را از میان بردارد و شهردار شجاع بندر با عده‌ای به سرپرستی خودش چند روزی مشغول کار شد تا توانست نرده های آهنین و پله ها و دکل قطور وبلند را از زمین بر داشته و تحویل مقامات مسئول کنسولگری واقع در عمارت کوتی بدهد. ظهیر همایون با این کار نامش در بلک لیست (لیست سیاه) کنسولگری ثبت شد و مورد غیض و غضب حضرات! قرار گرفت. آن شب میرسیدعلی ظهیر همایون در مجلس ضیافت شام مجلل و باشکوهی که با شرکت جمع زیادی از بزرگان بندر و رؤسا و مسئولین سازمان‌های ملی و دولتی و لشکری و کشوری ترتیب یافته بود شرکت داشت. انواع اطعمه و اشربه از غذاهای بومی بندر و ملی ایرانی گرفته تا خوراک‌های فرنگی گرم و سرد و از اسکاچ ویسکی تا عرق خرمای دو آتشه عذرا کلیمی سر میز پهن و درازی که در سالن گذارده بودند در دسترس میهمانان قرار داشت .

مطرب‌های یهودی نیز در گوشه ای از سالن مشغول خوانندگی و نوازندگی بودند، مجلس ضیافت تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت و مهمانان سرخوش و شاد و خندان از میناب بودند.

ظهیر همایون فرماندار پس از صرف غذا و مشروب حالش بهم خورد دلش درد گرفت رنگ از رخسارش پرید بی‌حال و بیهوش گوشه ای افتاد معالجات پزشکان ایرانی و انگلیسی موثر واقع نشد و چند ساعت بعد جسد بی جان فرماندار تحویل کل سلمان که از عمارت امیریه محل فرمانداری



احضار کرده بودند دادند. کل سلمان جنازه فرماندار را به سالن تحتانی عمارت امیریه که محل شهرداری بود، انتقال داد و قاریان قرآن بالای سرش به تلاوت کلام الله مجید پرداختند.

بامداد آن شب، جنازه فرماندار با تشریفات رسمی و نظامی، ازطرف مردم بندر بوشهر تا امامزاده تشییع شد و زنان و مردان بوشهری، علت مرگ فرماندار را (مسمومیت) می‌دانستند، اتفاقا اطباء نیز اعلام داشتند که فرماندار مسموم شده و به او زهر خورانده‌اند یا زهر خورده است!

جنرال کنسول سر جفری پرایر وکنسول و وابسته نظامی بریتانیا در بندر بوشهر در حالی که لباس رسمی تشریفاتی خود را پوشیده بودند روبروی عمارت کنسولگری به جنازه فرماندار که بر دوش مردم حمل می‌شد ادای احترام و تعظیم کردند و به دنبال تابوت تا مسافت زیادی پیاده راه پیمودند. در قیافه آنان آثار اندوه دیده می‌شد و چنان وانمود می‌کردند که سرکنسولگری دولت بریتانیا از مرگ یک دولت مرد ایرانی و مامور عالیرتبه دولت شاهنشاهی ایران اندوهگین و غمزده هستند. جسد فرماندار در محل امام زاده در جوار بقعه وآرامگاه شاهزاده عبد المهیمن به امانت سپرده شد و پس از چند ماه فرزند آن مرحوم صندوق محتوی جسد پدر را با خود به تهران برد.

دوحه –گرد آورنده: علی فرزانه به تاریخ: ۹۱/۵/۷
برابر با ۸ ماه مبارک رمضان ۱۴۳۳
منبع: دست نوشته‌هایم نقل از روزنامه پیک خجسته، شماره ۱۱۴۰ هفتم اردی بهشت ۱۳۵۴

# خلیج‌فارس و انتقال و گسترش زبان فارسی


دکتر حمید اسدپور

از جمله کارکردهای فرهنگی خلیج‌فارس، انتقال و گسترش زبان فارسی در جنوب، جنوب شرقی و شرق آسیا و هم‌چنین در شرق آفریقا می‌باشد. در آغاز سکونت مهاجران ایرانی در هند که به خصوص از خلیج‌فارس راهی این سرزمین شده بودند آثاری به زبان فارسی وجود داشت که جهت حفظ آن، ایرانیان اقدام به ترجمه آن‌ها به زبان‌های رایج در هند نمودند. اما به تدریج زبان فارسی در همه ارکان جامعه و حکومت هند نفوذ یافت. بسیاری از شعرای فارسی زبان در دربار گورکانیان هند بودند و تعدادی آن‌ها را تا یکصد و شصت و هفت شاعر هم ذکر کرده‌اند. نمونه این شاعران، عرفی شیرازی است که از جرون، عازم دکن شد و در دربار هند، مقام والایی یافت و چنان در شعر و ادب، پیشرفت نمود که خود را حتی برتر از انوری، خاقانی و نظامی می‌دانست. وجود لغات و اصطلاحات فارسی در هندوستان و جزایر مالدیو که مربوط به تجارت دریایی است، بیانگر تأثیر و نقش خلیج‌فارس در گسترش زبان فارسی می‌باشد. چنان‌که عمده تجارت دریایی این مناطق با ایران از راه خلیج‌فارس بود. برای نمونه می‌توان به اصطلاحات شاه‌بندر و حق‌بندر اشاره نمود. این تأثیر و نقش خلیج‌فارس، حتی پس از سقوط صفویه هم تداوم یافت. چنان‌که حزین لاهیجی، شاعربلندآوازه ایرانی هم از راه خلیج‌فارس عازم هندوستان شد و به‌رغم بی‌توجهی به بزرگان هند، باز هم مورد توجه قرار داشت و ماهانه مبالغ کلانی جهت مخارج وی مقرر کرده بودند. مقبره حزین در نزدیکی بنارس قرار دارد. با وجود اینکه بنارس از مراکز زیارتی مورد توجه هندوها است، ولی مقبره حزین نیز از جمله مقابر و زیارتگاه‌های مورد توجه بسیاری از مردم هندوستان می‌باشد. نفوذ و گسترش زبان فارسی چنان بود که پادشاهانی مانند پادشاه سیلان اطلاعات بسیار زیادی از ایران و به ویژه جزایر ایرانی داشت و در دربار او و اکثر دربارهای هند از زبان فارسی بهره گرفته می‌شد. شکل‌گیری این جوامع ایرانی و مهاجرت افراد با مشاغل و تعلیمات گوناگون از ایران به هند، باعث گسترش نفوذ ایرانیان در همه ارکان این سرزمین همراه با گسترش زبان فارسی گردید. این نفوذ چنان بود که بنا بر سخن ابن بطوطه همه بیگانگان در هند را خراسانیان می‌نامیدند. پروفسور هادی حسن عنوان می‌دارد که نفوذ ایرانیان در مناطقی مانند کالیکوت به صورتی بود که بیگانگان را پارسی می نامیدند. اغلب این پارسیان از تجار و بازرگانان بودند که تا پیش از غلبه پرتغالی ها بر این سرزمین، نفوذ خود را حفظ کرده بودند. نفوذ گروه‌های ایرانی در ارکان مختلف جامعه هند به ویژه در مناطق غربی به صورتی بود که قضات مسلمان به ویژه ایرانیان در این سرزمین را هنرمن می‌گفتند که همان واژه هنرمند ایرانی بود. علاوه بر هند، گسترش و نفوذ زبان فارسی در شرق آسیا نیز تا قرن‌ها تداوم یافت. در قرن دوم هجری یک کلنی از بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان که اکثراً ایرانی بودند در خانفوا در سرزمین چین شکل گرفت و بسیاری از دستاوردها و حتی لغات زبان فارسی از طریق آنان به چین منتقل شد.

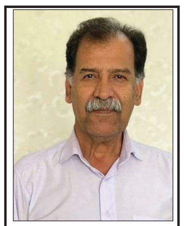
نفوذ ایرانیان در شهرهای چین و بخش تجاری به ویژه در شهرهایی مانند هاینان و خانفوا که بعدها کانتون نامیده شد و ارتباط عمیقی با خلیج‌فارس داشتند، باعث شد که بسیاری از لغات فارسی در این سرزمین وارد شود. از آن جمله، نماز بامداد، نماز پسین، نماز شامگاه و آبدست است. بسیاری از کتیبه‌های آنان با به «نام خداوند بخشنده مهربان» آغاز شده است و اصول دین را با زبان فارسی ولی با خط چینی فراگرفتند. کتیبه‌های مساجد آنان تزیین شده با اشعار فارسی است و حتی روستاهایی با عنوان فارسی وجود داشته است که می‌توان به چینی باغ، بازارده، دوشنبه بازار و دوزخ دره اشاره کرد. به واقع باید اشاره نمود که مسلمانان در چین، دین اسلام را با خط چینی ولی با زبان فارسی آموختند. آموختنی که معلول تجارت چین با ایران به ویژه از سوی خلیج‌فارس بود. در نواحی غیر از هند و چین مانند برمه نیز زبان فارسی نفوذ زیادی یافت و تا مدت‌ها زبان رسمی دربار ارکان، در برمه زبان فارسی بود. وجود پنجه مسجد و مقابر فراوانی با نام‌های فارسی، نشان‌دهنده نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در این سرزمین است. همچنین نفوذ گروه‌های ایرانی در دربار سیام سبب شد که زبان فارسی و اشعار شعرایی مانند فردوسی در این سرزمین مورد توجه قرار گیرد. از دیگر مناطقی که با ارتباط با خلیج‌فارس و تشکیل جوامعی از مهاجران ایرانی در آن مناطق، زبان فارسی، نفوذ زیادی یافت، شرق آفریقا می‌باشد. از گذشته‌های دور، ایرانیان به شمال و شرق آفریقا توجه داشتند و ارتباطات فراوانی بین ایران و این مناطق شکل گرفته بود. چنانکه این مناطق مورد توجه پادشاهانی مانند کمبوجیه، داریوش و خشایارشا قرار گرفت و خلیج‌فارس یکی از راه‌های ارتباطی با این مناطق بوده است. در دوره هخامنشیان با اعزام گروهی به فرماندهی ستاسپس، شاهزاده هخامنشی، اقدام به کشف برخی از راه های دریایی آفریقا نمودند. این وضعیت در دوره اشکانیان و ساسانیان نیز تداوم یافت.

از دوره اسلامی تجارت گسترش بیشتری یافت. توسعه بازرگانی و وجود بحران‌های مختلف داخلی مانند درگیری‌ها و سختگیری‌های مذهبی در ایران سبب شد تا گروه‌های مختلفی از ایرانیان با توجه به این بحران‌ها و وجود جاذبه‌های مناطق شرقی آفریقا، اقدام مهاجرت به این منطقه نمودند. از جمله آنان می‌توان به مهاجرت گروه زیادی به رهبری علی‌بن حسن از شیراز به شرق آفریقا اشاره کرد. این گروه حکومت کیلوا را بنا نهادند و با تجارت ادویه، ابریشم و دیگر محصولات کشاورزی به ثروت زیادی دست یافتند. مهاجرت این گروه از شیرازی‌ها به شرق آفریقا از طریق خلیج‌فارس و تداوم مهاجرت‌ها سبب شکل‌گیری جوامع ایرانی در این منطقه گردید. این کانون‌های ایرانی، ضمن آنکه نقش اساسی در توسعه و گسترش اسلام و همچنین ساز و کارهای تجاری در این مناطق داشتند، با حفظ بسیاری از آثار فرهنگ و تمدن ایرانی به بازنشر آن در این مناطق اقدام نمودند. از جمله آن‌ها حفظ زبان و لغات فارسی و تأثیرات این زبان بر زبان سواحیلی می‌باشد که از جمله زبان‌های معروف در شرق آفریقاست.

بسیاری از شاعران و بزرگان ادبی این مناطق، سبک‌های شعر خود را با الهام از شعرای فارسی برگزیدند. نمونه آن‌ها سید عبدالله بن علی است که مجموعه‌ای به نام انکشافی دارد و الهام گرفته از دیوان حافظ است.

همچنین اشعار عمر خیام نیز مورد توجه شعرای این ناحیه قرار گرفته است. با وجود نفوذ ایرانیان در این مناطق بسیاری از لغات فارسی تا قرن‌ها در این منطقه باقی ماند. از آن جمله بوستان، برنج، زر، قاموس، دریچه، دکان، پلو و غیره است.

# اشغال بوشهر در سال نهضتی



ابراهیم بشکانی

بارها از زبان بزرگان و پیرمردان می‌شنیدم که در مورد سال نهضتی و اشغال بوشهر توسط تنگسیرها، صحبت می‌کردند، به همین خاطر پس از تحقیق و با استفاده از خاطرات مرحومان عبدالرسول جمالی (بازنشسته شهرداری) و حاج نوروز علی قربانی (از بازاریان قدیم بوشهر) بر آن شدم تا در مورد این واقعه تاریخی مختصری برای خوانندگان نسیم جنوب، نقل کنم.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و به قدرت رسیدن پهلوی دوم، بنا به دلایلی به خصوص نفوذ حزب توده در دولت و وزیر فرهنگ شدن فریدون کشاورز توده‌ای، از هر گوشه ایران فرقه و قومی سر بلند کردند و بنای ناسازگاری با دولت مرکزی گذاشتند؛ از جمله فرقه دموکرات کردستان و آذربایجان و عشایر و ایلات جنوب به خصوص ناصرخان و خسروخان پسران صولت الدوله قشقایی رئیس ایل قشقایی. ناصرخان که پایه گذار نهضت جنوب بود در شهریور ماه سال ۱۳۲۵ پس از جمع آوری قوا همراه سران ایلات و عشایر در آق چشمه فارس اردو زدند. سپس سران ایل قشقایی و بختیاری طی تلگرامی به قوام‌السلطنه نخست وزیر وقت درخواست‌هایی کردند، از جمله واگذاری قدرت لشکری و کشوری فارس به خود فارسیان و عفو عمومی، ترمیم کابینه از توده‌ای‌ها و... ولی قوام قبول نکرد و به نصیحت کردن و وقت‌گذرانی پرداخت، ولی عشایر که از قبل گردهم آمده و با سایر سران ایلات و خوانین جنوب متحد شده بودند، با اعلام نارضایتی خود، اواخر شهریور ماه با دستور ناصر خان قشقایی حمله به پاسگاه‌ها و پادگان‌های ارتش در شیراز و کازرون و بوشهر و سایر شهرهای فارس را شروع کردند.

و اما بوشهر: روز بیستم شهریور ماه، خوانین دشتی و تنگستان و حیات داوودی، بوشهر را محاصره کردند و در روز ۲۵ شهریور ساعت هشت صبح با چندین کامیون از تفنگچی‌های تحت امر خود به سرکردگی فتح الله خان حیات داوودی وارد شهر شدند، در اون زمان هیچ نیروی ارتشی در بوشهر نبود فقط یک هنگ ژاندارمری در بهمنی قرار داشت که حدود ۲۰۰ نفر ژاندارم در آن خدمت می‌کردند که آن هم به تازگی به محل جدیدشان در خیابان سنگی منتقل شده بودند (اکنون آن محل تخلیه و زمین آن به نیروگاه اتمی فروخته شده)، تفنگچی‌ها به چند دسته تقسیم شده و هر گروه به نقطه‌ای از شهر حمله کردند، تعدادی ژاندارمری را محاصره کرده و درگیری آغاز می‌شود، این درگیری چندین شبانه روز به طول می‌انجامد و بر اثر این درگیری‌ها، سیم و کابل های تلفن و برق پاره و در و دیوار و درختان سوراخ سوراخ می‌شوند، آب هنگ بر اثر محاصره قطع شده و سربازان در مضیقه می‌افتند، آن‌ها مجبور به کندن چاه می‌شوند ولی چون زمین آن منطقه کاملاً سفت و سنگی‌ست موفق به رسیدن به آب نمی‌شوند، کم کم تشنگی بر ژاندارم‌ها و سربازان غلبه می‌کند و آن‌ها را از پا در می‌آورد که خبر به امام جمعه وقت بوشهر سیدهاشم عدنانی می رسد.

او به وساطت برمی‌خیزد ولی کاری از پیش نمی‌برد چون تفنگچی‌ها تهدید می‌کنند در صورت نزدیک شدن به وی شلیک می‌کنند، حتی پیرزنی از اهالی هلالی که فرزند سربازش در محاصره بوده، مشک آب بر دوش وارد خیابان می‌شود و به محض نزدیک شدن به پادگان به او شلیک می‌کنند و او را از پا در می‌آورند، در این میان مردم شهر بسیار مضطرب شده بودند و هیچ اطلاعی از مسائل سیاسی و این که این حمله و نهضت برای چیست نداشتند و خیلی نگران بودند، تنگستانی‌ها در مکانی به نام عمارت ایزی مستقر شده بودند، این عمارت متعلق به انگلیسی‌ها بوده و دکتر ایزی پزشک کنسولگری انگلستان از آن استفاده می‌کرده به همین خاطر به آن عمارت ایزی می گفتند (این بنا در خیابان بیسیم جایگاه کنونی اداره کار قرار داشت و به کلوپ هم مشهور بود) بالاخره عرصه بر محاصره‌شدگان تنگ و بی‌طاقت می‌شوند و بنا به دستور سرگرد آراسته فرمانده کل ژاندارمری بوشهر، از پادگان بیرون آمده به طرف تفنگچی‌ها حمله می‌کنند و محاصره شکسته می‌شود، آن گاه به طرف عمارت ایزی حمله‌ور می‌شوند و درب عمارت را آتش می‌زنند، در این درگیری چندین نفر از جمله استوار حاج علی و سرباز فولادی و سه نفر از تنگستانی‌ها کشته می‌شوند، پس از این حمله و شکسته شدن محاصره، ژاندارم‌ها و سربازان فرار می‌کنند و سرگرد آراسته تسلیم می‌شود. تفنگچی‌ها از این فرصت استفاده کرده و مقر ژاندارمری را تسخیر می‌کنند و تمام سلاح‌های موجود در آن را به غارت می‌برند، در زمان درگیری هواپیمایی متعلق به ارتش چند نقطه از محله سنگی را که بیم آن میرفت شاید تفنگچی‌ها در آن‌جا باشند بمباران می‌کند، از جمله عمارت دشتی واقع در غرب استانداری فعلی و عمارت زیتون در جنوب غرب میدان امام کنونی که قبلا متعلق به ژاپنی‌ها بوده و بخاطر وجود تعدادی درخت زیتون در آن مکان به این نام مشهور شده (بعد از جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها عمارت را شش دانگ به نام عبدالله عرب که نگهبان و باغبان اونجا بود می‌کنند) بمبی در این ساختمان منفجر می‌شود که فقط گاوی در آن تلف می گردد و خسارت جانی نداشته، بمبی هم در عمارت ایزی می‌افتد ولی عمل نمی‌کند و منفجر نمی‌شود، این بمب کوچک دوکی شکل مانند یه ماهی هامور به نظر می‌رسیده، به گفته عبدالرسول جمالی، فردای آن روز آن‌ها وارد ساختمان ایزی می‌شوند و گرد بمب حلقه می‌زنند، سپس بدون اطلاع از خطر انفجار جهت خنثی کردن آن که حدود ۱۵ الی ۱۶ کیلوگرم وزن داشته، آن را بغل کرده در چاه عمارت می اندازند و فرار می‌کنند ولی باز هم منفجر نمی‌شود.

هم‌زمان رئیس غلامحسین پسر رئیس علی مرادی والی اهرم هم به شهربانی حمله می‌کند و آن‌جا را تصرف و خلع سلاح کرده و هرچه تفنگ قدیمی و جدید بوده از انبار بیرون آورده و مانند هیزم طناب پیچ کرده و با خود می برند.




شادروان حاج نوروز علی قربانی برای من تعریف می‌کرد «یک روز در محوطه گمرک ایستاده بودم که تفنگچی‌ها به گمرک حمله کردند و با ژاندارم‌ها درگیر شدند، ژاندارم‌ها هم تفنگ‌های‌شان را رها کرده پا به فرار گذاشتند، ساعتی نگذشته بود که یک تفنگچی کوتاه قد تنگستانی سراسیمه آمد و به دنبال ژاندارمی می گشت، که شخصی با دست اشاره به پشت بام کرد و او با وجودی که تفنگ «ام یک» پشت کولش از خودش بلندتر بود، سریع مثل قرقی از پله آهنی بالا رفت و ژاندارم را که پشت بوم قایم شده بود دستگیر و با دو تفنگ پایین آمد».

سپس آن‌ها به غارت گمرک و انبارهای آن پرداختند و آن‌چه از وجه نقد و آذوقه مانند برنج وشکر و پارچه و... در انبارها بود به سرقت بردند، انبار غله نیز که ۵۰۰ هزار ریال غله در آن بود غارت کردند، ادارات و بانک شاهی و ملی و فرمانداری به تسخیرشان درآمد، پس از آن فتح الله خان حیات داوودی (که در مهرماه سال ۱۳۴۳ در سن۴۹ سالگی در پادگان باغ تخت شیراز به دار آویخته شد) فرماندار بوشهر و رئیس غلامحسین بنه‌گزی رئیس شهربانی می‌شوند، مرحوم سیدحسین شبانکاره شهردار وقت بوشهر هم به طرف تهران فرار می کند (او که از خانواده خوانین شبانکاره بود مردی تحصیل کرده در انگلیس با دیسیپلین خاص خود خدمات زیادی به بوشهرعرضه داشت از جمله لوله کشی آب از عالی چنگی تا بوشهر و گذاشتن منبع آب در چند نقطه شهر و رسیدگی به بازار و تمیزی شهر). بعد از نهضت سیدرسول ریشهری شهردار بوشهر می‌شود، البته در ایام نهضت که حدود سه ماه به طول انجامید، کلیه ادارات به جز تلگراف‌خانه تعطیل بود که آن هم تحت کنترل تفنگچی‌ها قرار داشت. بعد از سقوط پادگان کازرون و پاسگاه‌ها و بوشهر و چند شهر دیگر فارس و محاصره شیراز، قوام‌السلطنه تن به مذاکره می‌دهد. سرلشکر زاهدی که کفیل استانداری فارس و فرمانده قوای نظامی آن‌جا بود، جهت گزارش نهضت جنوب و وضع موجود به تهران می‌رود، و پس از ملاقات با شاه و نخست وزیر از طرف آن‌ها برای مذاکره و خواباندن غائله با اختیار تام به شیراز فرستاده می‌شود و پس از مذاکرات فراوان و قبول تعدادی از خواسته‌های آن‌ها سرانجام در ۲۴ مهر ماه با انتشار بیانیه‌ای به این نهضت خاتمه داده می‌شود، و بعد از آن ارتش وارد بوشهر می‌شود و تفنگچی‌ها از شهر خارج می‌شوند.

## ای زمین مال کی...

محمود قدسی

بچه ها می‌گفتن دوتا سیاه از آبادان اومدن بوشهر و رفتن تمرین شاهین، رزمی و تورانی. ما که کنجکاو شده بودیم روز تمرین شاهین رفتیم دیدن تمرین شاهین. درست بود، یک سیاه بلند و باریک به نام رزمی و یک سیاه کوتاه و یه کم توپر بنام تورانی. رزمی که دفاع وسط بازی می‌کرد با پرش های بلند و قیچی‌های عجیب و تورانی با دریبل‌های زیبا که در آن واحد دو سه نفر را از میدون خارج می‌کرد و پاس‌های عمقی و بلند پشت دفاع نظم هر تیمی را به هم می‌زد، دل هر شاهینی را به شوق میورد و دل هر ایران جوانی را به لرزه در میورد.

توی راه برگشت هر کدوم از بچه ها که همگی طرفدار ایرانجوان بودیم چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت دیگه حریف شاهین نمیشیم،یکی میگفت اینا دیگه از کجا اومدن بوشهر، یکی می‌گفت از آبادان اومدن مثل اینکه اصالتا بوشهری هستن. یکی می‌گفت نه بوآ اینطورم نیست ما هم مندلو داریم که از رزمی هم بیشتر می‌پره، سملیان داریم که رو یه دستمال سه نفر دریبل می‌زنه، مجید چاهیبخش داریم که سی خوش ستونین. همه یه اضطراب و تشویشی برای روز بازی ایرانجوان و شاهین داشتیم.

روز تمرین ایرانجوان برای دلداری و قوت قلب خودمون رفتیم استادیوم. اکبر کبگانی با همون صلابت همیشگی، بازیکنان تیم با یکدلی و رفاقت همیشگی تمرین را شروع کردند، نه انگار که در اردوی حریف دو بازیکن جدید با ویژگی‌های خاص اومدن. طرفداران همگی منتظر شروع دو گله بودند، تمرین دو گله شروع شد و همه احساس کردند که تیم اصلی با روحیه خاصی بازی میکنه و همه توپ ها به مروارید سیاه تیم ختم میشه، مندلو. مندلو اونروز تمرین مثل این‌که تو کفشهاش فنر گذاشته بود و هر توپی که از طرفین و یا کرنر ارسال می‌شد با سر به دروازه می کوبید. بعد از تمرین امید به اردوی طرفداران ایرانجوان نور انداخت.دلا قرص شد. ما هم سیاهی داریم که مثل پله دریبل میزنه و شم عجیبی در گل زنی داره. مندلو این سیاه خوش اخلاق که در زمین سامبا می‌رقصه و ترسی از هیچ دفاعی نداره.



بعد مدتی مسابقه دو تیم شاهین و ایرانجوان فرا رسید. استادیوم صبخی مملو از طرفداران دو تیم بود. فریاد تشویق و هلل یوس هله یوسا از همه جا بلند بود. «یا نجف یا بلمدینه شاهین شیر زمینه» از یک طرف و از طرف دیگه «ای زمین مال کی مال جوان بوشهر» بلند بود. دل تو دل هیچ‌کس نبود. امروز روز سیاهان زمین بود. سیاهانی که در دنیای فوتبال جهان دل‌ها را تسخیر کرده بودند، سیاهان برزیل و پرتقال. پله و ازوبیو. و بوشهر احمد رزمی و احمد تورانی در یک سمت و مندلو در یک سمت.

بازی با هیجان و دلهره شروع شد. جدال احمد رزمی و مندلو، احمد تورانی و سملیان. نیمه اول در میان شور و هلهله و هلل یوس هل یوسا تمام شد. قلب ها به شدت می‌طپید، هرکسی صدای قلب کنار دستیش را می‌شنید، اما هیچ‌کس به روی خودش نمی‌ورد.احمد رزمی با پرسش‌پرش‌های بلند و قیچی های زیبا، احمد تورانی با پاس‌های عمقی پشت دفاع، رضا ماهینی با فرارهای سرعتی از یک طرف و مندلو با زیرکی هایش، سملیان با دریبل هایش و مجید با توان مدیریتی خوبش بازی را اداره می‌کردند. هر لحظه صحنه زیبایی تماشاگران را به فریاد می آورد. یک کرنر روی دروازه شمالی که دروازه شاهین بود اعلام شد. بازی دقایق پایانی را طی می‌کرد. خیلی از تماشاگران چشمشون را بسته بودند تا سرنوشت کرنر معلوم بشه. کرنر زده شد و ناگهان فریاد گل در هوا فوران زد. چشم باز کردم و مندلو را در میان حلقه بازیکنان ایران جوان دیدم. آن روز که روز سیاهان بود ،سیاه ما بر کول تماشاگران تا باشگاه برده شد «مندل چه کرده تور پاره کرده». «در خونه مون سیلن، کاپ دس سمیلن».

با احترام به احمد رزمی، زنده یادان محمد علی برزین، احمد تورانی، محمدرضا سملیان، مجید چاهی‌بخش و رضا ماهینی اسطوره‌های فوتبال بوشهر.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن‌های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان




بندر گناوه

# مطبوعات منتقد دولت در بوشهر، در لیست سیاه



آمارهای منتشر شده درباره آگهی‌های دولتی توزیع شده از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، نشان می‌دهد که مطبوعات منتقد دولت در لیست سیاه قرار گرفته‌اند.
بر اساس آمار منتشره از سوی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در طی سه ماه نخست سالجاری، هیچ آگهی دولتی به نشریات نسیم جنوب، اتحاد جنوب و خلیج فارس که از مطبوعات منتقد دولت در بوشهر هستند، داده نشده است.
در حالیکه این سه نشریه بر اساس ضوابط آن معاونت نظم در انتشار داشته و مشمول دریافت آگهی دولتی بوده‌اند.
در طی سه ماه نخست امسال، بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون تومان آگهی دولتی توسط اداره ارشاد بوشهر بین مطبوعات توزیع شده که سهم مطبوعات منتقد دولت در بوشهر، صفر بوده است.
این در حالی است که این اداره تعدادی از آگهی‌های دولتی استان بوشهر را به مطبوعات سایر استان‌ها از جمله ابتکار جنوب (یاسوج)، اترک (بجنورد)، افسانه (شیراز)، امین (تبریز)، پیام ما (کرمان)، پیشرو (ساری)، رویداد (اصفهان)، شاخه سبز (قم)، شیراز نوین، معین (آستانه اشرفیه)، یاقوت وطن (اصفهان) و... داده است.

استاندار بوشهر:
# معلولان بوشهر در اولویت واگذاری مسکن هستند

استاندار بوشهر گفت: خانواده های تحت پوشش بهزیستی این استان و به خصوص معلولان در کنار خانواده های تحت پوشش کمیته امداد در اولویت واگذاری زمین و احداث مسکن هستند.
به گزارش ایرنا، احمد محمدی‌زاده در نشست با روشندلان استان بوشهر با گرامیداشت روز عصای سفید اظهار کرد: علاوه بر ساخت، تحویل مسکن و واگذاری زمین مسکونی در قالب نهضت ملی مسکن، به دنبال رفع مشکل اشتغال معلولان تحت حمایت بهزیستی نیز هستیم.
وی افزود: موضوع اشتغال معلولان را از طریق استفاده از سهمیه قانونی استخدامی در دستگاه های اجرایی و همچنین ارائه تسهیلات ارزان قیمت بانکی از محل تبصره های ۱۶ و ۱۸ دنبال می کنیم.
وی یادآور شد: بر اساس آماری که سازمان بهزیستی استان بوشهر اعلام کرده سه هزار و ۴۸۰ روشندل در استان بوشهر زندگی می‌کنند که موضوع ازدواج، اشتغال، مسکن، شهریه دانشگاه، پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج، واگذاری جهیزیه و مناسب سازی فضاهای شهری برای دسترسی به امکانات بایستی مورد توجه قرار گیرد.



# عضو هیات علمی دانشگاه بوشهر سرآمد علمی کشور شد

ایسنا/بوشهر معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: عضو هیات علمی و رئیس مرکز تحقیقات بهداشت محیط سیستمی و انرژی این دانشگاه به عنوان سرآمد علمی سال ۱۴۰۲ جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.
اکرم فرهادی در گفت وگو با خبرنگاران اظهار کرد: بر اساس اعلام معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، سینا دوبرادران به عنوان سرآمد علمی در سال ۱۴۰۲ انتخاب شده است.
وی افزود: در سال ۱۴۰۲، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری بر اساس آیین‌نامه سرآمدان علمی، تعداد ۱۱۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های کشور که دارای دستاوردهای پژوهشی برتر در سال ۱۴۰۲ بودند را به عنوان سرآمدان علمی برگزید که نام سینا دوبرادران، از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نیز در میان این ۱۱۰ نفر به چشم می‌خورد.
معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر یادآورشد: از جمله امتیازات برگزیدگان به عنوان سرآمدان علمی دریافت پژوهانه سرآمدان و امتیاز جذب یک نفر محقق پسادکتری است.
فرهادی گفت: بر اساس آیین‌نامه سرآمدان علمی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، بیشترین میزان ارجاع به مقالات علمی در نشریات معتبر و کیفیت مقالات و پژوهش‌ها در سه سال گذشته، از جمله شرایط دریافت امتیاز برای انتخاب سرآمدان علمی کشور بوده است.

# در سوگ زهرا سعادت، فرزند خوش‌نام دشتستانی




زهرا سعادت فرزند برومند شیخ عبدالکریم سعادت بود که نقش ستایش برانگیزی در تاسیس و رشد دبیرستان سعادت داشت
خانم زهرا سعادت دختر مرحوم شیخ عبدالکریم سعادت می باشد. ایشان با همکاری شیخ محمد حسین سعادت از مؤسسین دبیرستان سعادت بوشهر بودند.
خانم زهرا سعادت که از فرهنگیان بزرگ و خوش‌نام دشتستانی بود مدتی هم در شهر برازجان به کار تعلیم و تربیت مشغول بوده‌است.
تنها فرزند خانم زهرا سعادت و مرحوم نجم‌الدین حدائق (اهل شیراز) زنده یاد *مهندس امیر* بود که در جوانی بر اثر بیماری سرطان خون فوت کرد.
این اتفاق ناگوار باعث شد که منزل خود واقع در ابتدای بلوار فرهنگ شهر شیراز به بیمارستان انکولوژی (سرطان) تبدیل کرده و تمام دارایی خود را خرج تأسیس بیمارستان سرطان‌شناسی کند.
ایشان نام بیمارستان سرطان‌شناسی را به نام فرزند مرحوم خود امیر نام‌گذاری کرد.
این‌گونه بود که "بیمارستان انکولوژی امیر" به عنوان یک بیمارستان مهم و مرجع در زمینه سرطان تاسیس شد.
در چند سال اخیر به همت خانم سعادت در کنار بیمارستان امیر محلی برای اسکان و پارک خودرو همراهان بیمار در نظر گرفته شده‌است./ لیدنیوز

# اهمیت دورهمی‌ها و گردهمایی دوستانه



دکتر عباس حاتمی: دورهمی‌ها تجمع و گردهمایی دوستانه افرادخانوادگی، جمع دوستان یا جمع همکاران، یا هم محله ها و یا گردهمایی فیزیکی دوستان مجازی در منازل، پارتی‌ها، کافی شاپ‌ها و رستوران‌ها، سفرهای تفریحی، پارک‌ها، طبیعت و... هستند.
اهمیت دورهمی‌ها از نظر روانشناسی: با صحبت کردن و درد دل نمودن، افزایش روحیات را بدنبال دارد، تجدید دیدار، ایجاد صمیمیت و داروی ضد افسردگی، رهایی از تنهایی و خلاص از غم زندگی از جمله اثرات مثبت دورهمی‌هاست.
از نظر جامعه شناسی: باعث همبستگی، ایجاد نشاط و شادابی و سر زنده بودن شهرها، ملت‌سازی و تبادل تجربیات و یادگیری اجتماعی می‌شود.
دورهمی‌ها حداقل هفته ای یک بار به خصوص در تعطیلات هفته لازمست.
شایع‌ترین دورهمی‌ها در شب یلدا، مراسمات تولد و ازدواج، شاهنامه و خیام‌خوانی‌ها، چهارشنبه سوری و عید دیدنی و سیزده بدر، روزهای خاص مثل روز مادر و پدر، مهمانی دوستانه و... در ایران رواج دارند و معمولا با شادی و آواز جمعی همراه هستند.

# کتاب تاریخ ۳۰ ساله دانشگاه خلیج فارس منتشر شد



عضو هیات علمی و مولف کتاب تاریخ سی ساله دانشگاه خلیج فارس گفت: کتاب تاریخ سی ساله این دانشگاه با هدف تبیین و ثبت تحولات و رویدادهای دانشگاه از بدو تاسیس تا زمستان ۱۴۰۱ براساس اسناد و مدارک و شواهد موجود به زیور چاپ آراسته شد.
حمید اسدپور در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: کتاب تاریخ سی ساله دانشگاه خلیج فارس که توسط انتشارات این دانشگاه منتشر شده است دارای ۲ مقدمه، یک پیشگفتار، هشت فصل و در ۳۶۸ صفحه به رشته تحریر آمده است.
وی افزود: تاسیس دانشگاه خلیج فارس در بوشهر در واقع آغاز تحولی نو در تاریخ آموزشی، فرهنگی، علمی و اجتماعی استان بوشهر بود.
اسدپور یادآورشد: در این کتاب تلاش شده این تحول و روند شکل گیری و نیز تاثیرات آن را به شکل مستند بازگو شده که در آینده علاقمندان و پژوهشگران در این زمینه به تحقیق می‌پردازند حداقل یک منبع معتبری وجود داشته و در دسترس آنان باشد.
عضو هیات علمی دانشگاه خلیج فارس از خوانندگان این کتاب خواست با نقد و انتقادات احتمالی زمینه غنای کتاب تاریخ سی ساله دانشگاه خلیج فارس را فراهم کنند.

# پیام تسلیت مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر به مناسبت حمله موشکی به بیمارستان غزه

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر با صدور پیامی شهادت نزدیک به یکهزار نفر از فلسطینی‌ها در جنایت هولناک حمله موشکی بیمارستان المعمدانی نوار غزه را تسلیت گفت.
به گزارش روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر، در متن تسلیت محمدجواد بازدرهوا آمده است: رژیم اشغالگر قدس با این حمله بی‌رحمانه و ددمنشانه به بیمارستان المعمدانی بار دیگر هویت وحشی‌گری و تروریستی خود را علیه بشریت نمایان کرد.
این رژیم سراسر ظلم و ستم در طول بیش از هفت دهه عمر خود همواره منشاء ظلم و تجاوز به حقوق فلسطینیان بوده و حملات بی‌رحمانه این رژیم در سایه سکوت سنگین مجامع بین المللی و حقوق بشری اوج مظلوم مردم بی گناه غزه را نشان می‌دهد.
همان طور که رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند هیچ اقدامی شکست مفتضحانه صهیونیست‌ها در طوفان الاقصی را جبران و ترمیم نخواهد کرد.
آزادی فلسطین و قدس عزیز وعده‌ای الهی است و بدون تردید چنین جنایت هولناکی که با حمله به مراکز درمانی و مردمانی بی‌گناه نمایان شده، سرعت افول و اضمحلال غده سرطانی رژیم صهیونیستی را با سرعت می‌بخشد.
اینجانب با تسلیت شهادت مظلومه چند صد فلسطینی بی گناه در حمله به بیمارستان المعمدانی، از خداوند منان برای بازماندگان این حادثه ضدبشری طلب صبر و اجرا و برای شهدای این حادثه مغفرت و علو درجات را خواهانم.